

## مروری بر منابع تاریخی دوره ممالیک

علی غفرانی

دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

### چکیده:

دو سرزمین باستانی مصر و شام در تاریخ اسلام از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده و حوادث سیاسی و نظامی و اجتماعی آنها بخش اعظمی از تاریخ اسلام را به خود اختصاص داده است. در این سرزمین بود که در پی سقوط بغداد به دست مغول، یکی از بزرگترین و مقتدرترین حکومت‌ها یعنی حکومت ممالیک شکل گرفت و با تظاهر به حمایت از خلافت عباسی بیش از دو و نیم قرن ادامه یافت. در این دوره تاریخ‌نگاری مخصوصاً رونق گرفت و آثار بزرگ و ارزشمندی در این زمینه تألیف شد و مورخان برجسته‌ای چون ابن‌کثیر و ابن‌تغری بردی و ابن حجر و ذهبی و ابن خلدون و مقریزی ظهور کردند. مروری گذرا بر این آثار متعدد و ارزیابی آنها بر عهده این نوشتار است.

**کلیدواژه‌ها:** مصر، حکومت ممالیک، خلفای عباسی مصر، کتابشناسی، تاریخ‌نگاری. در قرن هفتم هجری و از حدود سی سال پیش از شکل‌گیری و پی‌ریزی دولت ممالیک در مصر (۶۴۸-۹۲۳ق)، شهرهای ایران و عراق که تا آن روز مهد علم و دانش و موطن علما و دانشمندان و دارای مدارس متعدد و کتابخانه‌های بزرگ بود، در پی فتنه مغولان ویران شد و بساط علم و دانش که حدود چندین قرن در این سرزمین‌ها گسترده شده بود، برچیده شد و بسیاری از علما به قتل رسیدند، یا مجبور به فرار شدند. این ماجرا با سقوط بغداد که روزگاری دراز بزرگترین شهر عالم اسلام و مامن و مقصد دانشمندان بود و مراکز علمی و مدارس بسیاری داشت، شتاب و شدت فزونتتری گرفت. در این زمان سرزمین مصر از فتنه مغولان در امان مانده و از جنگهای صلیبی آسیب

کمتری دیده بود. از این رو دانشمندانی که توانستند از این حوادث جان به در برند راهی مصر و شام گردیدند و این سرزمین محل توجه و تجمع عالمان و اندیشمندان شرق اسلامی شد (برای نمونه نک: ابن شداد، ۴۱، ۹۱، ۹۶، ۱۴۷، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۰۹) و از این رو تا چند قرن مهد علم و دانش گردید؛ مطالعات و تحقیقات و تألیفات علمی سودمندی در زمینه‌های مختلف در آنجا انجام یافت و در تمام رشته‌های علمی بویژه علوم انسانی، دانشمندان برجسته‌ای ظهور کردند و آثار ارزشمند و بزرگی پدید آوردند (حتی، ۸۶۳-۸۷۰).

یکی از رشته‌های علوم انسانی که در این دوره از تحرک و پویایی باز نایستاد و حتی رونق نیز داشت، تدوین تاریخهای عمومی بود (همو، ۸۶۷). در این زمینه آثاری عظیم همچون *کنز الدّرر* ابن آیبک دواداری (زنده تا ۷۳۶ق)، *البدایة والنهایة* ابن کثیر دمشقی (۷۷۴ق)، *صبح الأعشی* فلقشندی (۸۲۱ق)، *تاریخ الاسلام* ذهبی (۷۴۸ق)، *العبر* ابن خلدون (۸۰۹ق)، *السلوک* مقریزی (۸۴۵ق)، *إنباء العُمَر* ابن حجر (۸۵۲ق)، *عقد الجمان* عینی (۸۵۵ق)، *النجوم الزاهرة* ابن تغری بردی (۸۷۴ق)، *إنباء الهصر* ابن صیرفی (۹۰۰ق)، *الصّوء اللامع* سخاوی (۹۰۳ق) *حُسن المحاضرة* سیوطی (۹۱۱ق)، *الأئس الجلیل* مجیرالدین حنبلی (۹۲۷ق) و *بدایع الزهور* ابن ایاس (۹۲۸ق) تألیف شد و بزرگترین مجموعه‌های تاریخی فراهم گردید.

### شیوه تاریخ‌نگاری

قبل از ورود به بحث درباره شیوه تاریخ‌نگاری عصر ممالیک، ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که مورخان مسلمان در تدوین و تنظیم متون تاریخی شیوه‌های گوناگونی از قبیل حدیثی - خبری، سالشماری، دودمانی، طبقاتی، تبار شناختی و فرهنگنامه‌ای در پیش گرفته‌اند. در همه این شیوه‌ها، جز روش تنظیم فرهنگنامه‌ای، عنصر زمان دخالت دارد و به همین دلیل بیشتر آثاری که بر اساس این شیوه تدوین گردیده می‌توانند بر حسب تسلسل زمانی نیز تنظیم گردند. همچنین شیوه‌های مذکور را نمی‌توان به کلی از هم جدا انگاشت، چه ممکن است دو یا چند شیوه در یک اثر جمع شود (سجادی، ۷۱).

کتابهای تاریخی عصر ممالیک به استثنای *صبح الاعشی* و کتاب *التعریف بالمصطلح الشریف*، تألیف ابن فضل الله عمری (د ۷۴۹ق) به شیوهٔ سالشماری تدوین شده‌اند. در این شیوه شرح حوادث هر سال از ماه محرم شروع می‌شود و با ماه ذی‌حجه پایان می‌پذیرد. همچنین در ضمن ذکر هر واقعه به روز وقوع آن در ایام هفته و ماه اشاره می‌شود. اغلب مورخان این دوره در کنار ماههای قمری، ماههای شمسی قبطی را که در آن روزگار در مصر متداول بود نیز ذکر کرده‌اند (برای نمونه نک: عینی، ۶۲؛ ابوالفداء، ۵۸/۴، ۵۹؛ سخاوی، التبر، بیشتر موارد؛ ابن طولون، ۱۳۳؛ ابن صیرفی؛ انباء، بیشتر موارد).

## انواع تاریخ‌نگاری

مراد از انواع تاریخ‌نگاری، مضامین اصلی و گونه‌ها و شیوه‌های مختلف تاریخ‌نگاری و تدوین تاریخی هماهنگ با دایرهٔ نگاه مورخ است. بنا بر این، شیوه‌های تدوین و تنظیم نیز در این مقوله می‌گنجد و در واقع میان انواع تاریخ‌نگاری و شیوه‌های تدوین تاریخی نسبت عام و خاص است. مثلاً نگارش تاریخ بر اساس سلسله، از جمله شیوه‌های تدوین تاریخی به شمار می‌رود و در عین حال از نظر مضمون و نگاه مورخ به تاریخ یک دوره بر محور دودمان حاکم، در زمرهٔ انواع تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود. مهمترین انواع تاریخ‌نگاری عبارت است از سیر و مغازی، مقاتل و حروب، خراج و فتوح، تواریخ عمومی، تواریخ دودمانی و تک‌نگاری در بارهٔ فرمانروایان، تواریخ محلی، انساب، طبقات، وزارت و دیوانسالاری فرهنگ‌نامه‌های تاریخی (سجادی، ۱۰۹).

آثار تاریخی این دوره گوناگونی خاصی دارند؛ برخی از آنها همچون *البدایة والنهایة*، *المختصر فی اخبار البشر ابوالفداء* (د ۷۳۲ق) و *انباء العُمر ابن حجر* از نوع تاریخهای عمومی به شمار می‌روند که علاوه بر ذکر تاریخ مصر و شام به حوادث دیگر بلاد اسلامی و حتی برخی سرزمینهای غیر اسلامی نیز پرداخته (برای نمونه نک: ابن آیبک؛ ج ۹؛ یوسفی، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۷۲، مقریزی، بیشتر موارد) و در ذیل حوادث هر سال به اختصار یا به تفصیل شرح و فیات مشاهیر را نیز آورده‌اند.

اغلب مورخان این دوره تاریخ خود را از روزگاران پیش از خود شروع کرده‌اند؛ هر

چند در مبدأ شروع تألیف متفاوتند، مثلاً ابن کثیر و ابوالفداء و ابن آیبک دواداری همانند طبری (د ۳۱۰ق) تاریخ خود را از زمان آفرینش عالم و آدم شروع کرده‌اند، اما مقریزی کتاب (السلوک را از روزگاری که دولت ممالیک در مصر روی کار آمده (۶۴۸ق) آغاز کرده است. *إنباء الغمر* ابن حجر با اخبار سال ۷۳۳ق که سال تولد اوست، شروع شده است. چندتن از مورخان این دوره از قبیل سخاوی در *التبرالمسبوك* و ابن حجر، ابن طولون، ابن ایاس در *بدايع الزهور* و... کتاب خود را ذیلی بر کتب پیشینیان قرار داده و از تاریخی که نویسنده قبلی کتابش را به پایان برده تألیف خود را آغاز کرده‌اند، برخی از منابع این دوره از قبیل *تاریخ الملک الظاهر بیبرس* تألیف ابن شداد (۶۸۴ق)، *السیف المهنّد* بدرالدین عینی و بخش پایانی کتاب *الأنس الجلیل* مجیرالدین حنبلی و نیز کتاب *إنباء التهصر* ابن صیرفی در حالی که ترتیب سالشماری دارند، نوعی تک‌نگاری (مونوگرافی) به شمار می‌روند، بویژه دو کتاب اخیر، که تألیفاتی ستایش‌آمیز درباره سلطان قایتبای (د ۹۰۰ق) از ممالیک برجی است. برخی از منابع این دوره همچون *النجوم الزهراء*، *حسن المحاضرة*، *بدايع الزهور*، *الأنس الجلیل*، و *إعلام الوری* ابن طولون دمشقی (د ۹۵۳ق) تاریخ محلی اند. *الضوء اللامع* سخاوی از نوع فرهنگنامه‌های تاریخی به شمار می‌رود و حاوی شرح حال رجال و مشاهیر قرن نهم هجری می‌باشد. دو کتاب *صبح الاعشى* و *التعريف بالمصطلح الشريف* در هیچ کدام از دسته‌بندی‌های فوق جای نمی‌گیرند و باید آنها را کتبی درباره مسائل دیوانی حاوی اسناد تاریخی، همانند *الوزراء* و *الکتاب جهشیاری* (د ۳۳۱ق) و *یا الفخری* ابن طقطقی (تألیف ۷۰۱ق) به شمار آورد.

### سبک ادبی و شیوه‌نگارش

اغلب مورخان این دوره به علوم ادبی اشتغال داشته و از صرف و نحو و بلاغت عربی بهره فراوان برده و برخی از آنان از مشاهیر ادب عرب به شمار رفته‌اند، اما با این همه، آثار آنان از نظر ادبی و شیوه‌نگارش تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند. شاید بتوان منشأ این تفاوت در سبک نگارش را در این مسأله یافت که جامعه مصر در این دوره به سبب حضور اقوام و ملیتهای مختلف از ترک و کرد و عرب و رومی و غیره، خلوص قومی و نژادی خود را تا حدودی از دست داده و دچار یک نوع دگرگونی و تحول ادبی و زبانی

شده بود و در نتیجه آن کلمات و عبارات ترکی و فارسی و رومی رواج گسترده‌ای یافته و در بسیاری از منابع این دوره بکار رفته است.

در میان این آثار، نثر عزالدین ابن شداد (د ۶۸۴ق) در بخشی از تاریخ الظاهر بیبرس متکلف و مصنوع و مسجع و همراه با تعقیدات لفظی و معنوی است، به گونه‌ای که در برخی موارد سیطره آرایشهای ادبی و لفظی بر جمله‌ها چنان است که جمله را غیر طبیعی و بی‌معنی ساخته است (حطیط، ۲۵). صبح الاعشی قلقشندی والتعریف بالمصطلح الشریف ابن فضل الله به این دلیل که هر دو مؤلف، کاتب دیوان انشاء بوده‌اند، به سبک منشیانه و مترسلانه تدوین شده و از غنای ادبی و انسجام و استحکام در عبارت برخوردارند که این امر حاکی از آگاهی وسیع آنان بر صرف و نحو عربی است. علاوه بر آن، این دو اهل شعر نیز بوده‌اند و به مناسبت اشعاری را در جاهای مختلف کتابهای خود ذکر کرده‌اند. بدرالدین العینی در تألیف عقده الجمان، سبکی روان و به دور از تعقید و آرایه‌های لفظی دارد، اما وی در کتاب السیف المهند که در ستایش الملک المؤید شیخ نوشته، نثری مسجع و آمیخته با صنایع لفظی و همراه با مبالغه‌گویی به کار برده است. او در مدح سلطان علاوه بر کلمات عربی، از کلمات و عبارات فارسی همچون: ایزد تعالی، سُرادات جهاننداری، آذیال شهریاری، خداوند عالم، پادشاه، جمشید ثانی، کیخسرو دهر، آفریدون عصر، خورشید طلعت، کیوان رفعت، در مقدمه کتاب خود استفاده کرده است (السیف، ۵).

مقربزی در ادب و شعر و نثر مسلط و ماهر بود و توفیق هم می‌نوشت (ابن تغری بردی، ۱۴/۱۱۰، ۱۵/۴۹). کتاب السلوک او از نظر ادبی بسیار غنی و رسا و محکم می‌باشد، اما نویسنده معاصر او ابن حجر در کتاب پر حجم انباء الغمر، به سبب اقتباس از منابع متعدد، سبک ادبی یکسانی ندارد و به گفته دکتر زریاب نقص و تکرار بسیار در آن دیده می‌شود (ذیل «ابن حجر»). ابن تغری بردی، شاگرد ابن حجر، در نوشتن مطالب دچار غلطهای فاحش ادبی و املائی شده است تا آنجا که سخاوی و ابن صیرفی و دیگر معاصرانش این نکته را بر وی عیب گرفته‌اند (ابن صیرفی، انباء، ۱۸۰؛ سخاوی، الضوء، ۱۰/۳۰۶). ابن صیرفی در کتاب انباء الهصر کلمات عامیانه را بیش از کلمات فصیح به کار برده و اشتباهات زیادی در بیان مطالب مرتکب شده است (سخاوی، همان، ۵/۲۱۸) و

این در حالی است که خود وی این نکته را بر این تغری بردی خرده گرفته بوده است. در صدق الاخبار تألیف ابن سباط (د بعد از ۹۲۶ق) غلطهای ادبی و دستوری و املائی بسیاری به چشم می خورد تا آنجا که در هر صفحه از آن کتاب می توان نمونه هایی را نشان داد. در میان اینان سیوطی ادیب ماهری بوده و کتاب حسن المحاضره او متنی روان و سرشار از غنای ادبی و عباراتی منسجم و مستحکم دارد.

### نگاهی به ویژگیهای فردی مؤلفان آثار تاریخی ممالیک

اشاره به صفات فردی و موقعیت اجتماعی مورخان این دوره و نیز گرایشهای علمی و زمینه های تخصصی آنان می تواند محققان را در شناخت بهتر آثار تاریخی و میزان ارزش علمی آنها یاری کند. لازم به ذکر است که تمام مورخان عصر ممالیک بجز ابن صیرفی و سخاوی، از درباریان و صاحبان مناصب و نزدیکان سلاطین مملوکی و یا حداقل پدرشان از وابستگان دربار بوده اند. بیشتر مؤلفان این دوره فقیه، محدث و مفسر بوده و اغلب مدتی سمت قضا داشته و در کنار این منصب به تدریس علوم تخصصی نیز می پرداخته اند؛ از همین روست که در زمینه فقه و حدیث و تفسیر نیز دارای آثار متعددند. تنها عزالدین ابن شداد (د ۶۸۴ق) دبیر و وزیر بود و فقیه و قاضی نبوده است (الدهان، مقدمه/العلاق؛ حطیط، ۱۰). ابن کثیر، ابن تغری بردی، ابن طولون، سیوطی و سخاوی در عین نزدیکی به دربار، بیشتر به مسائل علمی و آموزشی و خدمات فرهنگی می پرداختند که از طرف حکومت به آنها ابلاغ و واگذار شده بود و شغل و وظیفه سیاسی و حکومتی نداشتند. برخی از مورخان این دوره از جمله ابن ایاس، ابن شداد، ابن حجر، ابن سباط، ابن طولون، ابن فضل الله عمری و سیوطی ادیب ماهری بوده و به سرودن شعر نیز شهرت داشتند.

با اینکه حکومت ممالیک بیش از دو و نیم قرن (۶۴۸-۹۲۳ق) طول کشید، اما بیشترین آثار تاریخی در قرن نهم پدید آمد و بیشترین مورخان در این قرن می زیستند و نوعی رقابت در میان آنها وجود داشت؛ چنانکه گاهی یکدیگر را به سرقت ادبی و یا بی خبری و کم اطلاعی از تاریخ متهم می کردند (برای نمونه نک: سخاوی، التبر، ۲۱-۲۴؛ الضوء، ۲۱۷/۵، ۳۰۸/۱۰، ابن حجر، ۲/۱، ۴۲/۹، ۴۶؛ ابن صیرفی، ۱۷۹). البته این

رقابتهای به خاطر تلاش برای بدست آوردن پست و مقام حکومتی بوده است (برای نمونه نک: عینی، عقدالجمان، ۳۷۲).

یکی از نکات قابل توجه در باب مورخان این دوره توجه به نژاد و ملیت آنهاست. بیشتر مورخان ممالیک اهل مصر بودند و این گروه به تدوین تاریخ سیاسی و نظامی دولت ممالیک توجه می‌کردند. اما معدودی از مؤلفان، همچون مجیرالدین حنبلی، مؤلف الانس‌الجلیل، ابن کثیر، ابن فضل‌الله عمری و ابن طولون اهل دمشق و بیت‌المقدس بودند و بیشتر به نوشتن تاریخ محلی تمایل داشتند.

از نظر نژادی ابن آیبک دواداری، ابن طولون و ابن تغری بردی ترک بودند (ابن عماد، حوادث سال ۸۷۴ق، ابن صیرفی، ۱۷۵؛ لسانی، ذیل «ابن طولون»، ابن آیبک، ۲۴۸/۷ - ۲۵۰، ۳۷۱-۳۷۳) و ابن ایاس نسب مملوکی داشت (فکرت، ذیل «ابن ایاس»)، اما بقیه مورخان این دوره نژاد عربی داشتند.

### نگاهی به مطالب کتابهای تاریخی عصر ممالیک

مطالب کتابهای تکنگاری در ذکر مناقب و محاسن و اقدامات سیاسی و نظامی و عمرانی و سرانجام در ستایش سلطان ممدوح است. در این منابع سعی بر آن است تا دامن سلطان از هر گناهی پاک نشان داده شود و ظلم و ستمی که بر مردم می‌رفته، به اطرافیان سلطان نسبت داده شود.<sup>۱</sup> اما تاریخهای محلی بیشتر به جغرافیا و تاریخ شهر و سرزمین موردنظر خود پرداخته و طبقات علما و زهاد و قضات و دیگر مشاهیر شهر را از قدیمترین ایام تا روزگار مؤلف ذکر کرده‌اند. این کتابها معمولاً با آیات و احادیث و روایات منسوب به معصومین و اخبار برخی پیامبران که به این شهرها آمده و یا در آن ظهور کرده‌اند آغاز می‌شوند و سپس در آنها از صحابه و تابعین پیامبر اسلام که به این شهرها آمده‌اند، سخن به میان می‌آید.

در این منابع همچنین از مساجد، مدارس، خانقاهها، حکومت‌ها، مناصب و مقامات حکومتی و سیاسی شهر و سرزمین خود، پوشاک طبقات مختلف مردم (برای نمونه نک: سیوطی، ۱۷۰/۲) آداب و رسوم و تشریفات، بناهای خیریه و سازندگان آنها (همو،

۱. از این دسته است آثار ابن شحنه، السیف عینی، و آثار ابن شداد و ابن صیرفی.

۱۴۲/۲) برنامه‌های درسی مدارس (سخاوی، التبر، ۳۰۱ - ۳۰۲) و میوه‌ها و محصولات دامی و کشاورزی سخن رفته است. در برخی از این منابع به تأثیرات مثبت یا منفی و ویرانگرانه برخی حاکمان مملوکی بر شهر و سرزمین مورد نظر، همراه با ذکر اقدامات عمرانی و اصلاحی آنان اشاره شده است. البته النجوم الزهراة کمتر به مسائل جزئی، بیشتر به اخبار شاهان توجه کرده است.

مطالب کتابهایی که جنبه تاریخ عمومی دارند و به مسائل سیاسی پرداخته‌اند، جز در موارد معدود، یکسان است. حوادث سیاسی و نظامی هر سال بر محور سلطان و حاکم زمان و ذیل نام او بررسی می‌شود و هر گزارشی که روایت شده به نوعی ارتباط با حکومت دارد. در همه این منابع، با اندک تفاوتی، نام سلطان مملوکی و خلیفه عباسی معاصر با او، حاکمان و والیان شهرهای تحت حاکمیت ممالیک و گاهی حتی نام حاکمان عراق و جزیره و روم و تبریز و خراسان و سمرقند و بخارا و هرات و مغرب و اندلس، امیران لشکر، قضات اربعه مصر و شام و مکه و مدینه، مدرّسان مدارس مشهور مصر و شام، نام صاحبان مناصب و مقامات در مصر و شام از قبیل کاتب و حاجب و نایب و دوا دار و خاصی و جز اینها در آغاز هر سال آمده و تکرار شده است. اما برخی دیگر از این منابع نام سلاطین و امرا و صاحبان مقامات را در سال آغازین سلطنت یک سلطان یا در ابتدای کتاب ذکر کرده و در سالهای بعد فقط تغییرات را متذکر می‌شوند. ظاهراً ابن واصل، مؤلف کتاب *مفرج الکروب* (د ۶۹۷ق) اول کسی بوده که این شیوه یعنی ذکر نام سلاطین و امرا و صاحبان مناصب در آغاز هر سال را ابداع کرد و مورخان بعد از او، نامهای صاحبان مشاغل مختلف دیوانی را بدان افزودند.

در همه این آثار بعد از ذکر صاحبان مناصب و مقامات، حوادث سیاسی و نظامی هر سال شرح داده شده است. ذکر تغییرات آب نیل از مطالب برجسته تاریخهای دوره ممالیک است و ظاهراً ابن آیبیک دوا داری (زنده تا ۷۳۶ق) اول مورخی بود که این عمل را ابداع و مورخان بعدی از وی تقلید کردند.

از مطالب مشترک منابع این دوره، ذکر اخبار اقتصادی از قبیل قیمت اجناس در هر سال و تغییرات قیمتها، تغییرات ارزش پول، تغییر واحد پول و اختلاف نقود، ذکر حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و قحطی و خشکسالی و خسوف و کسوف،



بیماریهای واگیر، اوضاع فلکی (برای نمونه نک: مقریزی، ابن صیرفی، انباء) تغییرات آب و هوا چون گرما و سرما و بارش باران و برف و وزش باد، اخبار مسافران حج، شایعاتی که در مصر و شام و برخی شهرهای بزرگ تحت حاکمیت ممالیک منتشر می شده، تشریفات و مراسم جلوس سلطان، جشنها (ابن حجر، ۱۷/۹-۱۸)، ابن تغری بردی در موارد بسیار)، اعطای خلعت و انعام و جایزه، گشاده دستی سلاطین نسبت به بزرگان، خبر فعالیتهای عمرانی همچون ساخت مدارس و مساجد و خانقاهها، اخبار روابط خارجی دولت ممالیک، جنگ با صلیبیان و فرنگان در دریای مدیترانه و شرح و فیات بزرگان و مشاهیر مصر و شام و برخی بلاد مجاور آنان می باشد. البته میزان توجه به مسائل مشترک مذکور در این منابع یکسان نیست؛ چنانکه بخش اعظمی از کتاب التبر المسبوك به و فیات بزرگان و مشاهیر اختصاص یافته است، اما در برخی دیگر از منابع در پایان حوادث هر سال صرفاً به و فیات افراد معدود آن هم به اختصار اشاره شده است. در برخی منابع مانند ابن صیرفی و ابن ایاس والتبر المسبوك سخاوی شرح حال متوفی بسیار مختصر و به ذکر نام و نسب و شغل او بسنده می شود. اما در برخی دیگر به تفصیل در باب فرد متوفی سخن به میان می آید. شرح حال زنان مشهور را فقط ابن حجر و سخاوی ذکر کرده اند (نک: ابن حجر؛ الضوء، ج ۱۲).

مصطلحات دیوانی در مصر در روزگار ممالیک که اغلب ریشه و منشأ فارسی و یا ترکی دارند همچون استاددار، دوادار، امیرآخور، اتابک، شرابخانه، جمدار، خشداش، خاصکی، خَوَند، رنگ (شعار)، ركبخانه، زردخانه، لالا و جز اینها، در همه منابع این دوره آمده است.

ذکر اخبار بلاد مجاور با مصر از دیگر مطالب مشترک این منابع است که در این میان اخبار بازماندگان سلاطین ایوبی معاصر با ممالیک بحری، برجستگی خاصی دارد (برای نمونه، ابن شداد، ۲۰۶، ۲۹۵؛ ابن آیبک، ج ۷، ابن کثیر؛ عینی، عقد، ۴۳۱).

با اینکه تاریخ نگاری در این دوره شکل وقایع نگاری پیدا کرده بود، اما ذکر اخبار شگفت انگیز یا خرافی و دروغ همانند بارش قورباغه سبز یا ظهور انسانی با دو شاخ و جز اینها گاه به چشم می خورد (برای نمونه نک: سیوطی، ۱۵۰/۲، ۱۶۳/۲؛ ابن حجر، انباء، ۴۴۹/۷ و ۱۹۲/۸؛ عینی، عقد، ۳۶۹، حوادث سال ۸۳۳؛ ابن آیبک، ۸۰/۹-۸۱)

که علاوه بر عدم امکان عقلی، دروغ بودن این اخبار از آنجا معلوم می‌شود که برخی مورخان از عدم حضور خود در آن واقعه یا عدم مشاهده شخصی یک امر عجیب سخن گفته و یا مطلبی را بر اساس شایعات رایج نوشته‌اند.

با اینکه در تمام این منابع از سلطانِ معاصر با نویسنده، هیچ‌گونه بدگویی نشده، اما عموماً به ظلم و ستم مأموران دولتی و والیان و امیران شهرها و ظلم بر رعیت اشاره گردیده و از وجود اختلاف در میان درباریان و اطرافیان سلطان و سرکوب شورشهای مردمی و اختلاف مردم با عاملان حکومتی و اختلاف نظر بین فقها و قضات و بی‌نظمی‌ها و ناامنیها سخن رفته است.

از نظر تنوع اخبار و روایات، کتاب *عقدالجمان و بدایع الزهور* نسبت به سایر منابع عصر ممالیک، امتیاز خاصی دارند. این دو کتاب همانند روزنامه‌های امروزی تقریباً از همه جا و همه کس و همه چیز - اگرچه به اختصار - سخن گفته و کمتر حادثه اجتماعی را نادیده گرفته و یا مطلبی درباره آن ننوشته‌اند. از اخبار خاص *بدایع الزهور*، اشاره به موروثی بودن برخی مناصب دولتی در میان خانواده‌های خاص است (به عنوان نمونه نک: حوادث سال ۸۸۰ق). از مطالب منحصر به فرد *عقدالجمان* گزارش از وضع علوم مختلف در مصر از قبیل پزشکی و داروسازی، بیان اصل و نسب سلاطین مملوکی و اشاره به سابقه بردگی آنان، گزارش از مراسم کفن و دفن (۳۸۰، ۹۹ و ۱۰۰-۱۰۳)، رشوه‌گیریها (۱۷۰-۱۸۸)، وضع مدارس و مساجد و خانقاهها و زویا و بیمارستانها، اخباری از زنان مشهور در علم و سیاست (۲۱۵، ۲۴۴، ۳۲۵ - ۵۴۲)، پرده‌برداری از عدم پایبندی بردگان و سلاطین به مبانی و دستورات دینی است (۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۴۵، ۲۰۶، ۴۵۴، ۶۴۴). *البدایة والنهایة* تألیف ابن کثیر از نظر تنوع اخبار و روایات در مرحله بعد از دو کتاب فوق‌الذکر قرار دارد. ابن کثیر به خاطر اقامت در شام و دوری از مصر با جرأت و آزادی عمل بیشتری سخن گفته و حتی به صفات و خصال زشت ملک ناصر حسن (۲۹۱/۱۴) اشاره کرده است مخصوصاً کتاب او از این رو اهمیت دارد که از ابزارها و نیز شیوه‌های جنگی ممالیک بحری گفتگو کرده است (برای نمونه نک: ۸۷/۱۴).

## ارزش علمی منابع عصر ممالیک

در این عصر بیشترین آثار تاریخی در عالم اسلام پدیده آمده و هیچ دوره‌ای از لحاظ کثرت آثار تاریخی با این دوره قابل قیاس نیست و از آنجا که مؤلفان این عصر نوشتن تاریخ را از زمانهای پیش از خود و حتی آغاز آفرینش و یا صدر اسلام شروع کرده‌اند، مطالب آنها به دو دسته اساسی تقسیم می‌شود:

دسته اول مطالبی که نقل و اقتباس از منابع دیگر است و مورخان عصر ممالیک در این بخش ناقل صرف بوده‌اند و عبارات را گاه با ذکر منبع و گاه بدون ذکر منبع نقل کرده و در برخی موارد دچار تحریف و اشتباهاتی نیز شده و یا مطلبی را بیش از حد خلاصه کرده‌اند (برای نمونه نک: ابن آیبک، ۲۱/۶، مقدمه). این دسته از مطالب، بخش اعظمی از کتابهای این دوره را تشکیل می‌دهد. برخی از منابع این دوره همچون *حُسن المحاضرة* (سیوطی، مقدمه کتاب)، *ریاض النفوس* ابن صیرفی، *تاریخ الاسلام* و *العبر ذهبی*، تماماً اقتباس از منابع دیگر بوده و مطلبی که مربوط به زمان حیات مؤلف باشد در آنها نیامده است. اما این گونه منابع از نظر دسته‌بندی و شیوه ارائه مطلب، شیوه جدید و سودمندی را در پیش گرفته‌اند (سیوطی؛ مجیرالدین). با توجه به اینکه تعداد بسیاری از منابع تاریخی این دوره از میان رفته و یا به دست ما نرسیده است، منقولات برخی منابع، سبب حفظ و نگهداری و انتقال اخبار و روایات و موارد تاریخی بسیاری شده است (سیوطی، مقدمه). امروزه منابع دست اول ما درباره وضع ایوبیان بعد از صلاح‌الدین، بویژه در قرن هفتم، بسیار کم است (همانجا). این سخن البته به معنای نبود مورخ در آن روزگار نیست، بلکه بسیاری از منابع مکتوب این دوره بنا به علل طبیعی و یا سیاسی و قومی و در هنگام تغییر حکومتها از میان رفته‌اند. بسیاری از مورخان عصر ممالیک همچون ابن کثیر، ابن دواداری و ابن تغری بردی آن منابع را دیده و مطالب آنها را در کتابهای خود ذکر کرده‌اند. منقولات ابن تغری بردی از منابع مفقوده بسیاری از قبیل ابن منجأ، ابن قادسی و جز آنها در جلد ششم از کتاب *النجوم الزاهرة*، حکم اخبار دست اول در تاریخ ایوبیان را دارد (به عنوان نمونه نک: ۱۳۰/۶ و ۱۳۳ و ۲۳۶/۶، ۷۲). ابن آیبک دواداری از کتاب *مفقود السیل والذیل* (۴۳۷/۶) تألیف عماد کاتب (د ۵۹۷ ق) و نیز یک کتاب قفقسی که آن را در دیری یافته بود، استفاده و نقل کرده است (همو، ج ۶). منقولات ابن کثیر از کتاب

علم‌الدین برزالی (مجلد ۱۳ و ۱۴) درباب ایوبیان و ممالیک در حوادث سالهای قبل از ۷۳۴ق در هیچ منبع دیگری ذکر نشده و کتاب علم‌الدین برزالی نیز بدست نیامده است. در کتاب السلوک مقریزی اشاراتی هست که در کتابهای مفصل ایوبیان و ممالیک بحری مانند الکامل و الروضین و مفرج الکروب، ذکر نشده است. دلیل این امر آن است که به احتمال قوی مقریزی منابع دیگری همانند اسناد دیوانی در دست داشته که اکنون از میان رفته و از آنها بجز اخباری که مقریزی نقل کرده چیزی برجای نمانده است (زیاده، ح ط ی). ابن حجر عسقلانی با اینکه اخبار سالهای (۷۷۳-۸۵۰ق) را به طور مفصل آورده، اما بیشتر مطالب خود را از آثار دیگران گرفته است و در مجلدات اول تا ششم کتاب *إنباء العُمر بدین* امر تصریح کرده است. بسیاری از منابع مورد استفاده ابن حجر از میان رفته است. از مجلد *نهم انباء العُمر* شواهدی بدست می‌آید که نشان می‌دهد ابن حجر حتی حوادث سالهای ۸۴۵ و ۸۴۶ق را نیز از آثار دیگران نقل کرده است (۱۵۹/۹، ۱۶۶، ۱۸۹). مجیرالدین حنبلی تمام مطالب خود را در کتاب *الأُنس الجلیل فی تاریخ القدس و الخلیل* از آثار پیشینیان گرفته است. او ساکن فلسطین بوده و از همین رو با جرأت و جسارت بالایی از ظلم و ستم عاملان حکومت و مقامات دولتی ممالیک سخن گفته، گرچه به حوادث و وقایع روزگار خود اشاره‌ای نکرده است. کتاب *عقدالجمان* که بنا به گفته مورخان و شرح حال نویسان ۲۰ یا ۲۵ جلد و یا حتی ۶۰ مجلد بزرگ بوده (حاجی خلیفه، ذیل *عقدالجمان*)، جز حوادث سالهای ۸۲۴-۸۵۰ق که از مشاهدات خود مؤلف و مربوط به رویدادهای زمان وی بوده، تماماً از منابع دیگر اقتباس شده است. ابن ایاس اخبار پیش از زمان خود را به طوریکه جز از ابن تغری بردی گرفته و به اختصار ذکر کرده است. ابن طولون دمشقی مؤلف *اعلام‌الوری* (د ۹۳۵ق) مطالب خود را از منابع دیگر گرفته است و مبنای کار او تاریخ زملکانی بود، که اکنون موجود نیست (همو، ۳-۵۶) سخاوی در کتاب *الضوء اللامع* تمام مطالب و در کتاب *التبر المسبوک* حوادث پنج سال را از منابع پیش از خود گرفته است و خود بر این مطلب تصریح کرده و منابع خود را در موارد متعدد ذکر کرده است.

دسته دوم از مطالب منابع عصر ممالیک که مربوط به روزگار حیات مؤلفان آنهاست و آنها خود از نزدیک شاهد بسیاری از حوادث بوده و یا در ایجاد آنها نقش داشته‌اند،

دارای ارزش تاریخی و علمی بسیاری است. اهمیت این قسمت زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم اکثر مؤلفان عصر ممالیک از صاحبان مناصب بلند لشکری و کشوری بوده و با سلاطین مملوکی ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند و بر بسیاری از اسناد دولتی آگاهی کامل می‌یافتند، از این رو حوادث و وقایع را با دقت و تفصیل گزارش، و حتی در برخی موارد به علت وقوع آنها اشاره کرده‌اند (عاشور، و - ز؛ ابن تغری بردی، ۲۰/۱۶ - ۲۳؛ شیال، ۲۹).

بخش و فیات منابع عصر ممالیک اوضاع و احوال علمی و اجتماعی و دینی آن عصر را تا حدودی روشن ساخته و اندازه توجه به رشته‌های مختلف علمی و میزان ارزش و اعتبار علمای هر رشته را مشخص کرده است.

در تاریخهای محلی این عصر، اخبار مربوط به زمان حیات مؤلف ارزش بالایی دارند، زیرا که این قبیل مؤلفان بسیاری از مظاهر فرهنگ و تمدن و فعالیت‌های عمرانی را از نزدیک مشاهده می‌کردند و با بزرگان شهر و دیار خود ارتباط داشتند.

منابع عصر ممالیک با تمام نقاط قوت، ضعف‌هایی نیز دارند که از ارزش علمی آنها می‌کاهد و آن حبّ و بغض‌ها و جانبداریهای مبالغه‌آمیز بسیاری از این مورخان نسبت به خلیفه و سلطان و سران کشوری و لشکری است. در کتابهای تک‌نگاری، چهره عملکرد سلطان بسیار غیرواقعی و مبالغه‌آمیز ترسیم شده است. از دیگر نقاط ضعف این منابع آن است که چون مورخان این دوره از صاحبان مقامات دولتی بوده و بین آنان رقابت و مبارزه شدید وجود داشته است، گاهی به سعایت و سخن‌چینی و توطئه‌چینی علیه یکدیگر می‌پرداختند (به عنوان نمونه نک: سخاوی، البتر، ۲۱-۲۴؛ عینی، عقد، ۳۷۲). از این رو برخی اخبار این منابع کینه‌توزانه و بغض‌آلود و یا حداقل بدبینانه است. این نکته در قضاوت‌هایی که برخی مؤلفان درباره هم‌دیگر کرده‌اند و طعنه و نیش و کنایه‌هایی که بر یکدیگر زده‌اند، کاملاً مشخص است (نک: سخاوی، همانجا؛ ابن صیرفی، ۱۷۶-۱۸۰).

## منابع:

ابن آیبک دواداری، کنز الدرر، تصحیح صلاح‌الدین منجد و هانس روبرت و اولرخ هارمان،

قسم الدراسات الاسلامیة، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۹۴ م.

- ابن اياس، بدايع الزهور فى وقايع الدهور، مصر، بولاق، ١٣١١ق  
ابن تغرى بردى، النجوم الزاهرة، احمد زكى العدوى، قاهره، دارالكتب المصرية،  
١٣٤٨-١٣٩٢ق.
- ابن حجر عسقلانى، الدرر الكامنة فى اعيان المائة الثامنة، هند، حيدرآباد، دايرة المعارف  
عثمانى، ١٣٧٣ق/١٩٥٤م.
- انباء الغمر، تصحيح محمد عبدالمعيد خان، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٣٩٢ق/١٩٨٤م.
- ابن سبطا، صدق الأخبار، تصحيح دكتور عمر عبدالسلام تدمرى، لبنان، طرابلس،  
١٤١٣ق/١٩٩٣م.
- ابن شداد عزالدين، تاريخ الملك الظاهر بيبرس، تصحيح احمد حطيط، ألمان، ويسبادن،  
فرانزشتاينر، ١٤٠٣ق/١٩٨٣م.
- الاعلاق الخطيره، تصحيح دومينيك سوردل و يحيى عبّاره، دمشق، وزارة الثقافة والارشاد،  
١٩٥٣ و ١٩٧٨م.
- ابن شحنه، البدر الزاهر، تحقيق دكتور عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دارالكتب العربى،  
١٤٠٣ق/١٩٨٣م.
- ابن صيرفى، انباء الهصر بأبناء العصر، مقدمة دكتور حسن حبشى، بيروت، دارالفكر العربى،  
١٩٧٥م
- نزهة النفوس والأبدان، تصحيح دكتور حسن حبشى، مصر، مطبعية دارالكتب، ١٩٧١م.
- ابن طولون دمشقى، اعلام الزورى، تحقيق عبدالحميد حامد خطاب، جامعه عين شمس،  
١٩٧٣م.
- ابن عماد حنبلى، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، تحقيق عبدالقادر الارناؤوط، بيروت،  
دار ابن كثير، ١٤٠٦ق/١٩٨٦م.
- ابن فضل الله عمري، التعريف بالمصطلح الشريف، تحقيق محمد حسين شمس الدين،  
بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق
- ابن كثير، البداية والنهاية، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
- ابوالفداء، المختصر فى اخبار البشر، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
- حاجى خليفه، كشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون، بيروت، دارالفكر، ١٤١٩ق/

۱۹۹۹م.

- حتّی، فیلیپ، تاریخ عرب، پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶ش.
- حطیط احمد، مقدمه بر تاریخ الملک الظاهر بیبرس.
- خطاب عبدالحمید حامد، مقدمه بر کتاب اعلام الوری.
- الدّهان، سامی، مقدمه بر الاطلاق الخطیره.
- زرکلی، الاعلام، چاپ سوم، بیروت، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.
- زریاب خویی، عباس، «ابن حجر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- زیاده، محمد مصطفی، مقدمه بر جزء اول و دوم کتاب السلوک.
- سجادی، سید صادق، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- سخاوی، التبر المسبوك، مصر، مكتبة الكليات الازهریه، بی تا.
- الصوّ اللامع لأهل القرن التاسع، بی جا، بی تا.
- سیوطی، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره، تصحیح ابراهیم بن شیخ حسن فیومی، حسین شرف، ۱۳۲۷ق.
- شیال، جمال الدین، مقدمه بر إتعاض الحنفاء، قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.
- عاشور، سعید عبدالفتاح، مقدمه بر جزء سوم از کتاب السلوک.
- العدوی، احمد زکی، مقدمه بر جزء اول النجوم الزاهرة.
- عینی بدرالدین، السیف المّهتد فی سیره الملک المؤید، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قاهره، دارالکاتب العربی، ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷م.
- عقدالجمان، تحقیق دکتر عبدالرزاق الطنطاوی، مصر، الزهراء للأعلام العربی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
- فکرت، محمد آصف، «ابن ایاس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- قلقشندی، صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، بی جا، بی تا.
- لسانی فشارکی، محمد علی، «ابن طولون»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مجیرالدین حنبلی، الأئس الجلیل فی تاریخ القدس والخلیل، مصر، مطبعة وهبیة، ۱۲۸۳ق.
- مقریزی، تقی الدین احمد، السلوک لِمَعْرِفَةِ الدُّولِ وَالمُلُوكِ، مصر، مطبعة دارالکتب، ۱۹۳۴-۱۹۷۱م.

منجد صلاح الدين، مقدمه بر جلد ٦ كنز الدرر.

نسيم يوسف، جوزيف، مكتبة الحروب الصليبية، بيروت، دار النهضة، ١٩٨١ م.

يوسفى، موسى بن محمد، نزهة الناظر، مقدمة دكتور احمد حطيط، بيروت، عالم الكتب،

١٤٠٦ ق.